

### متن پرسش

سلام استاد عزیز و بزرگوار: چند سوال پیرامون مبحث حرکت جوهری داشتم: ۱. به نظرم عبارت قرآنی «کل شی هالک الا وجهه» با عبارت قرآنی «کل یوم هو فی شان» در تضاد است. منظور از عبارت قرآنی اول یعنی کل شی هالک الا وجهه این است که تنها وجود حاضر در صحنه، حضرت حق است (بقیه هر چه می بینیم، ظهورات حضرت حق است). منظور از عبارت دوم یعنی کل یوم هو فی شان، این است که حضرت حق همواره در حال ایجاد و خلق (افاضه فیض یا همان هستی بخشی) است. به بیان دیگر، عبارت قرآنی اول ناظر بر قبول وحدت شخصی وجود و تشکیک ظهور است، در حالی که عبارت قرآنی دوم، ناظر بر قبول تشکیک وجود است. نظر شما چیه استاد؟ ۲. یکی از نتایج حرکت جوهری، ذات قیوم خداوند و فیض دهندگی دائمی او اثبات می شود (و اینکه خداوند بواسطه فیض بخشی خود، همواره عالم جدیدی را ایجاد می کند)، شبیه این مثال است که یک لامپ در اتاق باشد و من دستم را روی کلید مربوط به لامپ بگذارم و مکررا خاموش و روشن کنم. البته مثال را برای تقریب ذهن عرض کردم چون مثال بهتری سراغ نداشتم. ولی با این حال، می توان گفت که هر لحظه که نور لامپ خاموش می شود، آن پرتوهای نوری (وجودهای بالغیری) که تا قبل از خاموش شدن لامپ بودند، بواسطه خاموش شدن لامپ، از هستی ساقط می شوند، و وقتی لامپ را دوباره روشن کنم، پرتوهای نوری جدیدی در اتاق خواهیم داشت که عین پرتوهای قبلی نیستند (وجودهای جدیدی که بعد از ساقط شدن وجودهای قبلی ایجاد می شوند، دیگر وجودهای سابق نیستند). در نتیجه، ذات یا جوهر ما کاملا تغییر می کند، به عبارت دیگر، نمی توان گفت که من من جدید، همان من من جدید است. این تناقض چطور قابل رفع است؟ پیشاپیش از توجه و پاسخگویی تان متشکرم.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. در آیه‌ی «کلّ یوم هو فی شأن» حضرت حق نظر به قسمت قبل دارند که می‌فرماید: «یسئله من فی السموات و الارض» و با تجلیات خود جواب طلب مخلوقات را می‌دهد تا آن‌ها را از قوه به فعل در آورد و در این رابطه، جای وحدت شخصیه وجود محفوظ است به اعتبار آن‌که در صقع ربوبی و در مقام عین ثابته‌ی مخلوق، حضرت حق با مخلوقات مرتبط است. ۲. همچنان که در «حرکت جوهری» بحث شد آنچه موجب ربط مرتبه‌ی قبل حرکت به مرتبه‌ی بعد از آن است، ذات خود حرکت است که همواره در صحنه می‌باشد. موفق باشید